

چکیده

پیش از پیدایش فناوریهای نوین، نامه نگاری، از ابزارهای مهم در تداوم ارتباط دوجانبه و چندجانبه تلقی می گردید. براین اساس، مطالعه و بررسی نامه های دوستانه - بویژه نوشته کسانی که مصدر امور دولتی نیز بوده اند - می تواند نتایج مفیدی در مطالعات تاریخی کشور دربرداشته باشد. از جمله این مکاتبات، نامه های شخصی محمدعلی منصف با محمدابراهیم شوکت الملک، امیر قائنات است. این نامه ها در دو مقطع زمانی بین ۱۳۱۰-۱۳۱۱ش. - که منصف مسئولیت مدارس شوکتیه بیرجند را داشت - و ۱۳۱۲-۱۳۱۴ش. - که به عنوان نماینده بیرجند در مجلس شورای ملی بود - نگارش یافته است. بررسی مضامین و مطالب مطرح شده در نامه ها، موضوع مقاله حاضر است.

واژگان کلیدی: محمدابراهیم شوکت الملک، محمدعلی منصف، بیرجند، قائنات، نامه های شخصی.

امروزه ظهور فناوریهای جدید، امر مکاتبات بین افراد را محدود کرده است. درحالی که در گذشته، نامه نگاری یکی از عوامل مهم در تداوم ارتباطات دوستانه تلقی می گردید و به دلیل کمبود وسایل ارتباط جمعی نه تنها در نامه ها، امورات و احوالات شخصی مطرح، بلکه بسیاری از مسائل روز در نامه ها بیان می گردید که در مکاتبات رسمی و اداری به دلیل مسائل امنیتی و سری، کم تر به آن پرداخته می شد. بنابراین با مطالعه و بررسی مکاتبات دوستانه و شخصی بین افراد، می توان در حوزه تاریخ اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و روابط خصوصی بین افراد بویژه شخصیت های سیاسی، به مسائل جدیدی دست یافت. چرا که معمولاً این مطالب در کتب تاریخی و اسناد دولتی کم تر ذکر شده و برخی از آنها محرمانه بوده و یا مربوط به زندگی خصوصی اشخاص است. ضمن اینکه نوع نحوه نگارش، اصطلاحات و تعابیر ادبی به کار رفته، ما را با ادبیات گذشتگان آشنا می کند. از جمله این نامه ها، مکاتبات شخصی محمدعلی منصف

بیرجندی

نامه نگاری های

شخصی

محمدعلی

منصف

با

شوکت الملک

علم

امیر قائنات

الهه محبوب

با محمدابراهیم شوکت‌الملک، امیر قائنات است. (۲)

محمدعلی منصف، متولد ۱۲۸۱ش، فرزند میرزا مهدی خان مستوفی و برادر همسر شوکت‌الملک (۳) بود که با حمایت وی به مدارس شوکتیه راه یافت و در تمام مدت تحصیل در بیرجند و پس از آن در تهران، از حمایت‌های مادی و معنوی امیر قائنات بهره برد و بعد از آن، به تدریس در مدارس شوکتیه (۴) مشغول شد؛ تا اینکه در انتخابات دوره نهم مجلس شورای ملی در سال ۱۳۱۲ش، به نمایندگی از بیرجند انتخاب شد. البته در دوره‌های ۱۰ تا ۱۷ هم نماینده مردم بیرجند بود و از حمایت‌های فرزندان شوکت‌الملک بویژه اسدالله علم برخوردار بود. (۵)

او، همچنین کتابی در خصوص زندگینامه محمدابراهیم خان علم شوکت‌الملک تألیف کرده است. منصف، در مقدمه کتاب اشاره کرده که قسمتی از مطالب کتاب را از یادداشت‌های پراکنده‌ای که در ضمن معاشرت و مصاحبت با شوکت‌الملک داشته، جمع‌آوری کرده است (۶). اما مطالب مندرج در نامه‌های وی فراتر از آن است؛ چرا که در نامه‌هایش به جزئیات زیادی پرداخته که در کتابش مطرح نشده است. بنابراین، نامه‌های وی به شناخت بیش‌تر شخصیت او و امیر قائنات و نفوذ محلی خاندان علم در منطقه کمک می‌کند. نامه‌های وی مربوط به دو مقطع زمانی و مکانی مشخص و جدا است:

۱- تعدادی از نامه‌های وی، مربوط به سالهای ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ش است؛ زمانی که وی در بیرجند به سر می‌برده و اداره مدارس شوکتیه برعهده وی بود. در این نامه‌ها بیش‌تر اخبار مربوط به مدارس شوکتیه و شهر بیرجند را به شوکت‌الملک - که در تهران بوده - گزارش می‌کرده و درباره مسائل مربوط به آن بویژه مدارس شوکتیه، از وی راهنمایی می‌خواسته است.

۲- دسته دوم مربوط به زمانی است که وی در تهران نماینده بیرجند در مجلس شورای ملی بوده و از نزدیک در جریان رویدادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی روز بوده و بر همین اساس، گزارشها و اخبار آن را برای شوکت‌الملک ارسال می‌کرده است. تاریخ این نامه‌ها، بیش‌تر مربوط به سالهای

۱۳۱۲ تا ۱۳۱۴ش است.

مطالب مندرج در نامه‌های وی را، می‌شود چنین دسته‌بندی کرد:

- ۱- مسائل سیاسی؛
- ۲- مسائل اقتصادی؛
- ۳- امور فرهنگی و آموزشی؛
- ۴- امور مربوط به بیرجند و منطقه قائنات؛
- ۵- اخبار پایتخت؛
- ۶- مسائل شخصی و خانوادگی خاندان علم.

مسائل سیاسی

از آنجایی که منصف مدتی نماینده بیرجند در تهران بوده، در نامه‌هایش به شوکت‌الملک، وی را از بسیاری از مسائل سیاسی روز آگاه می‌کرده و حتی در برخی موارد به جزئیات آن نیز می‌پرداخته و این، نشان می‌دهد که امیر قائنات با وجودی که در این سالها منصب دولتی و حکومتی نداشته، اما به مسائل اطرافش توجه داشته است.

منصف، به مسائل سیاسی مهم در دربار و مجلس اشاره دارد، از جمله وی، به سفر رضاشاه به مازندران، مشهد و صحرای ترکمن و همراهی خودش در برخی از این سفرها اشاره می‌کند.

او، گزارشهایی از جلساتی که در حضور شاه تشکیل می‌شده، در نامه‌هایش ارائه می‌کند. در هنگام تشکیل سلام عام در حضور شاه در سال ۱۳۱۲ش، به ایراز مرحمت شاه به وثوق‌الدوله اشاره می‌کند. او، به احضار فروغی (۷) در سال ۱۳۱۲ش. از سوئیس اشاره کرده که وی موقع ورود ملکه تا دم‌گارد او را استقبال نکرده است.

همچنین وی، دلیل سقوط کابینه هدایت (۸) را در سال ۱۳۱۲ش، برخورد تقی‌زاده و اظهارات وی در هیئت نظارت درخصوص خریداری طلا و ناراحتی شاه در این باره برشمرده و سقوط کابینه هدایت را، پایان دیکتاتوری مالی تقی‌زاده دانسته و به لقب او در میان عوام - که به "مغول بی‌عاطفه زبان نافهم" شهره بود - اشاره کرده است. او،

گزارشی از وضعیت کابینه جدید به ریاست فروغی داده که در کابینه وی، داور وزیر مالیه شده و اسدی (احتمالاً علی اکبر اسدی) (۹)، پدرش محمد ولی را کاندید پست وزارت مالیه معرفی کرده که موفق نشد.

وی به انتصابات انجام شده نیز اشاره دارد، از جمله اینکه در یکی از نامه هایش در سال ۱۳۱۳، از انتصاب امیر لشکر عزیزالله ضرغامی به کفالت ارکان حرب، امیر لشکر نخجوانی به کفالت وزارت جنگ، جهانبانی برای کفالت امنیه و واگذاری امور بلدی به امیر لشکر آیرم سخن گفته و رسیدگی به املاک شاه را هم در حوزه وظایف وی قلمداد کرده است. برخی مسائل سیاسی مطرح کرده وی، برمی گردد به وقایع منطقه قائنات و سیستان و نظر شاه در مورد آن. وی، به مشکلات سرحدی ایران و افغانستان (۱۰) در سال ۱۳۱۳ و داوری ترکها برای رفع اختلاف مذکور، اشاره دارد:

«با آقای فرخ ملاقات کردم. گفت: رأی حکمیت ترکها داده شده که هشتاد فرسخ از خاک قائنات ضمیمه افغانستان شد. در مقابل، نسبت به سایر قسمتها تا حدی مراعات دعاوی ایران شده است؛ اما بتفصیل نقاط تعریض شده رانمی دانستند. گویا آبادی مهمی ضمیمه آن هشتاد فرسخ نباشد. نطق افتتاحیه شاه در قسمت افغانستان، می فرمایند: چون رضایت برای حکم داده ایم، رعایت حکم بر دولت ما فرض است.»

همچنین، او از مناسبات بین شوکت الملک و شاه سخن می گوید که آن دو با هم ملاقات کرده و نظر شاه بر این بوده که سیستان به همان صورت سابق اداره شود (سال ۱۳۱۴ ش.). او به مسئله تغییر لباس در سال ۱۳۱۴ ش. اشاره می کند: «در ۱۵ خرداد، مجلس با حضور شاه افتتاح شد. عموماً با سر برهنه در جاهای خود قرار گرفتند. از عصر آن روز، شاپو به سر گرفتن با سرعت فوق تصویری شروع شد.»

منصف، به هنگام برگزاری مراسم عید سال ۱۳۱۴ ش. به انتقادات شاه به اصحاب مطبوعات اشاره می کند:

«مراسم عید در حضور اعلیحضرت با حضور آن

جمع طبقات برگزار شد. مدیران جراید با مدیران بانک بودند. شاه، به مدیران جراید می گوید: شما برای اقتصاد مملکت چه کرده اید که جزو بانکها و تجار ایستاده اید؟ جز پدر سوختگی، کاری از شما دیده می شود. به عنوان درشکه چی، مزخرفاتی می نویسید.»

و بعد خود منصف در نامه اش توضیح داده که اشاره شاه به مقاله درشکه چی در روزنامه شفق سرخ به صاحب امتیازی علی دشتی بوده که بعد روزنامه توقیف و امتیاز آن از طرف وزارت معارف لغو شد.

وی به ملاقات اسدی، نایب التولیه حرم رضوی با شاه در فروردین سال ۱۳۱۴ ش. اشاره کرده که در این ملاقات، اسدی از شوکت الملک تعریف و تمجید نموده و شاه نیز، رضایت خود را از وی اعلام کرده است. در همین سال است که روابط بین شاه و اسدی بر سر واقعه گوهرشاد تیره می شود.

در زمان رضاشاه، بسیاری از املاک مالکان بزرگ توقیف شد و منصف، به برخی از آنها از جمله تقسیم املاک امیر تیمور کلالی اشاره کرده؛ ضمن اینکه در یکی از نامه هایش به زمزمه هایی برای توقیف املاک شوکت الملک اشاره می کند: «اگر دولت بخواهد سرکار را در شمول کسانی که ترمرد و گردنکشی کرده اند قرار دهد، امری جدا است و تمام مردم قاینات بدبخت می شوند. در ضمن، املاک قوام هم توقیف شده است.»

برخی نامه های وی، مربوط به سال ۱۳۲۰ ش. است. البته در مقایسه با سالهای گذشته، تعداد و حجم این نامه ها کم تر است. در اینجا هم، او مسائل سیاسی روز را مطرح کرده؛ از اختلاف نظر در کابینه فروغی و رقابت وی با قوام السلطنه برای تصدی نخست وزیری، حمایت شاه از کابینه فروغی و نداشتن نظر مساعد همسایه ها به قوام السلطنه و... سخن می گوید.

امور اقتصادی

غیر از امور اقتصادی مربوط به بیرجند، منصف در



امیر شوکت الملک علم

زمانی که در تهران سمت نمایندگی را داشته، باز هم پیگیر امور مدارس شوکتیه و محصلان و مدرسان آن بوده است. به طوری که با رایزنیهای، معلمانی برای این مدارس انتخاب و اعزام کرده است. آن طور که از فحوای نامه هایش به دست می آید، وی تحقیقات کاملی راجع به این معلمان انجام می داده و حتی گاهی پیشنهاد انتخاب معلمان اروپایی را برای تدریس دروس زبان خارجه داده است. او برای افزایش بودجه مدارس، ارتباطات مستمری با وزارت معارف داشته و در نامه هایش، از افزایش اعتبار معارف خراسان خبر داده: "جناب امیر، تصمیم وزارت بر توسعه استقلال حوزه معارفی قائنات است."

علاوه بر اینها، ظاهراً وی مشاور شوکت الملک در شناسایی مدارس عالیة تهران، برای ادامه تحصیل

نامه هایش به مسائل اقتصادی کشور و لوایحی که توسط مجلس و یا وزرا در این خصوص مطرح شده، اشاره می کند: "از لوایح مفید وزیر جدید مالیه، لایحه بانک فلاحت و فروش خالصجات است. آخر لایحه فروش خالصجات هم، دلیل است بر اینکه عنقریب دولت نقشه های فلاحتی طرح کرده، قدمهای سریعی در امر فلاحت برداشته خواهد شد." (۱۱)

در جایی وی از تنزل نرخ لیره سخن گفته (سال ۱۳۱۴ ش.) و در جایی دیگر، از شکایات تجار که پیگیری آن برعهده وزارت مالیه و داخله گذاشته شده است.

امور فرهنگی و آموزشی

همان طور که گفته شد، منصف مدتی مدیر مدارس شوکتیه بود و در این زمان مکاتباتی با شوکت الملک - که در آن هنگام (سال ۱۳۱۱ ش.) در تهران به سر می برد - داشت. در این نامه ها، او جزئی ترین اخبار مربوط به مدارس شوکتیه (ابتدایی، نسوان، متوسطه، مدارس قاین، سربیشه، گیو، موسویه و مختاران) را، از چگونگی افتتاح مدارس تا برگزاری امتحانات ارائه کرده و نقاط ضعف و قوت مدارس را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و گزارش آن را برای شوکت الملک ارسال کرده است؛ از جمله به تقلبات انجام شده در امتحانات حساب مدرسه نسوان اشاره کرده و دلیل آن را، ضعف درس حساب در نزد شاگردان دانسته و اینکه دوباره امتحان برگزار شده. او، همچنین نتیجه کل امتحانات مدارس را به شرح ذیل داده است:

نام مدرسه	داوطلبان	قبول شدگان	مردودین
متوسطه	۳۷	۳۲	۵
ابتدایی بیسرچند	۲۵۲	۲۲۵	۲۰
نسوان	۱۸۹	۱۲۶	۶۳
قاین	۵۷	۴۴	۱۳
سربیشه	۶۳	۶۱	۲
گیو	۳۰	۲۶	۴
درمیان	۲۳	۲۹	۴
موسویه	۲۴	۲۹	۵
فخاران	۲۴	۳۱	۲

دانش‌آموختگان مدارس شوکتیه و افراد خانواده‌اش بوده است. منصف، اطلاعات خوبی از چگونگی پذیرش دانش‌آموز در مدارس آمریکایی، امنیه، طب، قشون و... داده و تلاش کرده تا مخارج تحصیل فارغ‌التحصیلان شوکتیه را در تهران به نوعی تأمین کند:

”وجدانی، برای تحصیل طب به تهران آمده؛ شیر و خورشید از پرداخت مخارج تحصیل وی ناتوان است. اگر بلدیه بیرجند - که مؤسسه رسمی قانونی است - این کار را بکند، مناسب‌تر است.“

او، همچنین از حیثیت مدارس کاملاً دفاع کرده و در پاسخ به مقاله‌ای که در روزنامه ایران در سال ۱۳۱۱ش. راجع به مدرسه شوکتیه به قلم روحی، نماینده مجلس نوشته شده بود، چنین نوشته است:

”تمام مدارس شوکتیه (غیر از شش مدرسه بلوکی مؤسس) شامل مدرسه متوسطه ذکور، مدرسه ابتدایی ذکور و مدرسه نه کلاسه انات، از املاک و عواید شخصی مؤسس تأمین می‌شود که از طریق املاک خاصه تأمین می‌شود که یک قسمت املاک شخصی مؤسس است که در حدود نصف بودجه دو مدرسه را کفایت می‌کند و قسمت دیگر، املاک وقفی است که مصرف خاص دارد و مصارف طبق وقفنامه لحاظ می‌شود. مدیر مدارس شوکتیه منصف“

و از این لحاظ برای بررسی تاریخ مؤسسات آموزشی بویژه مدارس ایالات و چگونگی اداره آن، نامه‌های وی قابل بررسی است. علاوه بر این، او در حوزه‌های فرهنگی دیگر هم از جمله چاپ کتاب، فعالیت‌هایی دارد و از شوکت‌الملک برای چاپ دیوان هادی (۱۲) درخواست کمک مالی کرده و او نیز، پاسخ مثبت به وی داده است.

امور مربوط به منطقه بیرجند و قائنات

در نامه‌های منصف، مطالب بسیاری راجع به منطقه بیرجند و قائنات طرح شده است. باتوجه به اینکه او در این مدت نماینده بیرجند بوده، از این لحاظ بررسی نامه‌های وی،

در شناخت بافت فرهنگی، اقتصادی و سیاسی منطقه و مشکلات آن در دوره موردنظر، قابل توجه است. وی، گزارش‌هایی در این خصوص برای شوکت‌الملک ارسال می‌کرده و از اقدامات خود در تهران برای رفع مشکلات منطقه، اطلاع می‌داده که از جمله آن، مشکلات مالی و اقتصادی منطقه و تلاش‌هایی بوده که برای رفع آن کرده است، مثلاً تأمین اعتبار برای بهسازی راه‌های بیرجند. در چندین جا به اهمیت راه خبیص (۱۳) به بیرجند که طی آن خراسان به دریای آزاد راه می‌یابد و تلاش برای جلب مشارکت مالی شوکت‌الملک و مردم قاینات برای کمک به این پروژه‌ها، اشاره دارد. مذاکراتی که راجع به راه راور و طبس با وزیر طرق انجام داده تا اعتبار لازم را برای آن تهیه نماید. تلاش برای اقدامات عمرانی همچون تأسیس ساختمان بلدیه و ساختمان سد در سال ۱۳۱۲ش. در بیرجند.

برخی گزارش‌ها به امنیت و اختلافات داخلی اشاره دارد، از جمله وضعیت نامناسب مالیه قاینات و اختلافات بین انحصار ایالتی و مالیه قاینات، بازدید نمایندگان انحصار از چند روستا، کشتن چند مظنون به سرقت توسط دوست محمدخان سیستانی.

در جایی به گزارش‌های خان نخجوان از سیستان اشاره کرده:

”دوسیه خان نخجوان راجع به قضایای سیستان؛ وی سیستان را مستعد انقلاب و طغیان دانسته و رئیس این نایره و انقلاب، سرکار صمصام‌الدوله (۱۴) و امان آن هستند که همه تحت تعلیمات شما (شوکت‌الملک) موجبات اغتشاش را فراهم می‌سازند و اگر اقدام فوری از جانب دولت نشود، سیستان از بین رفته است و پیشنهاد جلب شما را به تهران داده، البته سرهنگ مختاری نزد شاه رفته و راپرتهای فوق را دروغ شمرده و از شما تعریف کرده است. اعلیحضرت گفته: نخجوان غرض خصوصی داشته و این دوسیه را کنار بگذارید.“

مشکلاتی که یاور گودرزی در سال ۱۳۱۲ش. در حوزه مأموریتش پیدا کرده، امیر لشکر ضرغامی از منصف خواسته



مدرسه شوکتیه بیرجند

امیر لشکر، این است که سرکار راه عملی کردن نظر ملوکانه را مرقوم فرمایند. با در نظر گرفتن طول سرحد و اسلحه - که شاید لازم به تقسیم بین سرحدیها می شود - تشریح فرمایند.^۱

منصف، زمانی که در بیرجند مدیر شوکتیه بوده، از اخبار بیرجند غافل نبوده و اطلاعاتی در نامه هایش به شوکت الملک راجع به مسائل مختلف در بیرجند داده، از جمله: کم بارانی در بیرجند، افزایش قیمت گندم، کاغذنویسیهای آقای اسدی به سران سپاه بیرجند، شیوع بیماری و آگیر تیفوئید در سال ۱۳۱۱ در اطراف بیرجند و تلاش جمعیت شیر و خورشید برای رفع آن، آمدن مأموران رفع ملخ از راه زاهدان به بیرجند، تلاش برای راه انداختن اداره برق و چراغ برق در سال

که در این مورد تحقیق کند. منصف در نامه هایش، به نتایج تحقیقاتش اشاره کرده:

«راجع به یاور گودرزی، در حوزه مأموریتش دشمن زیاد پیدا کرده. البته اسنادی دارند من جمله سرهنگ قره گوزلو و رئیس نظمیه بیرجند، مشغول معامله قاچاق هستند. حتی از سرهنگ قندی قاچاق گرفته اند. احتمالاً شکایات به تحریک میرزا اسدالله خان اسدی باشد.»

او در جایی دیگر، به مشکلات امنیتی قائنات اشاره کرده: «و مشکل دیگر اینکه امنیه قائنات رئیس ندارد. نظر همایونی بر این است که به وسایل محلی قضیه انجام شود و پول و حقوقی داده نشود و اینکه سرحدیهای ایران مسلح شوند و برای حمله متقابل مهیا شوند. تقاضای

صورت اعتبار تجار در آید و معاملات دارای مدت گردد.^{۱۸} همچنین، خریدهای شخصی شوکت‌الملک در تهران توسط منصف پیگیری می‌شده و او گزارش جامعی از آنها ارائه می‌داده است. او، پیگر برخی از امورات ملکی علم نیز بوده است:

“آقای نراقی راجع به وقفنامه که از مرحومه نواب (۱۸) به دست آمده و املاکی وقف شده که در تصرف شما است و می‌خواهند آن را تعقیب نمایند و بنده، گفته‌ام شما موافق این عمل هستید.”

تهیه و خرید روزنامه، وسایل ورزشی و... و ارسال آن به بیرجند برای شوکت‌الملک، از دیگر وظایف منصف بوده است. او، در نامه هایش در سال ۱۳۲۰ش. اخباری هم از اسدالله علم و همسرش، ملک‌تاج داده که البته این اخبار، بیش تر مربوط به سلامتی حال است.

ارتباطات شخصی با رجال

منصف - چون در تهران حضور داشته - با بسیاری از رجال ارتباط داشته و در نامه هایش به احوال پرسپهای آنها از شوکت‌الملک اشاره کرده و این، نشان می‌دهد که وی با آنها ارتباط داشته است. در جایی به شوکت‌الملک پیشنهاد کرده که به تهران بیاید و با اشخاص و صاحب‌منصبان جدید آشنا بشود. او، همچنین به اختلافات بین تیمورتاش و شوکت‌الملک اشاره کرده که بعد از فوت تیمورتاش آن مسائل خاتمه یافته است.

در این نامه‌ها، به ارتباطات دوستانه خود و شوکت‌الملک با اتباع خارجی اشاره کرده و اخبار مربوط به دوستان خارجی شوکت‌الملک را به وی می‌داده، از جمله اینها موسیو تراپه بوده که منصف، او را برای مدیریت اداره برق بیرجند معرفی کرده:

“من، موسیو تراپه را برای مدیر معرفی کردم که هم به امور برق اطلاع داشته و هم شری از سرگماشتگان سرکار کوتاه شود.”

در مجموع، نامه‌های منصف نه تنها روشنگر برخی

او، در جایی از شوکت‌الملک درخواست کرده که زودتر برگردد؛ چرا که ظاهراً مشکلی بین شیر و خورشید بیرجند و موقوفات علم به وجود آمده بوده که علم، شخصاً می‌توانسته به آن موضوع رسیدگی کند. همچنین وی اخباری از امور سیستان می‌دهد، از جمله تعیین حاکم سیستان و نسبت خویشاوندی وی با سیدالمحققین دیبا (۱۵) که وکیل مجلس است.

اخبار پایتخت

در این قسمت، منصف اخبار دقیقی از وضعیت سیاسی، اقتصادی و حتی شرایط آب و هوایی تهران داده، مثلاً از نگرانی ملاکین تهران به خاطر کمبود بارندگی در بعد از عید سال ۱۳۱۲ش. سخن می‌گوید و در جایی به شیوع یک آفت نباتی جدید در اطراف تهران اشاره کرده است.

مسائل شخصی و خانوادگی

پیش تر مسائل شخصی در این نامه‌ها، برمی‌گردد به انجام امور شوکت‌الملک در تهران توسط منصف؛ همچنین پیگیری امور تحصیلی برادرزادگان وی، امیرحسین خان (۱۶) و امیر علی‌اکبر خان و امیر اسماعیل خان (۱۷) با منصف بوده و او در نامه هایش اطلاعات دقیقی از وضعیت تحصیلی آنها داده است. از این رو، اطلاعات خوبی از وضعیت تحصیلی مدارس تهران و همچنین شرایط نظام و وظیفه آن زمان ارائه کرده؛ ضمن اینکه مهیا ساختن منزل علم در هنگام اقامت وی در تهران و تدارک دیدارهایش با رجال از وظایف منصف بوده که تمام آنها در نامه هایش منعکس شده. انجام امور تجاری و اقتصادی شوکت‌الملک در تهران و پیگیری آن تا حصول نتیجه، برعهده منصف بوده است:

“مراسله را برای دادن اعتبار به رئیس کابینه بانک تقدیم کردم. او، آن را به موسیو خوشاب، رئیس اعتبارات داده و وی گفته: این اعتبار را تنها به تجار می‌دهند و به سرکار تعلق نمی‌گیرد. مگر اینکه اعتبار سرکار هم که به

مسائل آن روزگار است، بلکه در شناخت احوال شخصی خود وی - که روزگاری نماینده مجلس بوده - مفید است. این نامه‌ها، بیانگر فعالیت‌های یک نماینده مجلس است. ضمن اینکه پشت پرده بعضی از وقایع را نشان می‌دهد. این مکاتبات، روحیات و موضوعات مورد علاقه و زندگی خصوصی و اقتصادی شوکت الملک را - که در برخی مواقع محرمانه تلقی می‌شده - آشکار می‌سازد.

پی‌نوشتها:

- ۱- کارشناس پژوهش مدیریت امور اسناد و مطبوعات سازمان کتابخانه‌ها و مراکز اسناد استان قدس رضوی، پست الکترونیک elahe_mahboob@yahoo.com
- ۲- اصل این نامه‌ها، در مدیریت امور اسناد و مطبوعات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد استان قدس رضوی نگهداری می‌شود. البته افراد دیگری هم غیر از منصف بوده‌اند که برای شوکت الملک گزارش و نامه ارسال می‌کرده‌اند که بررسی آنها، به شناخت شخصیت شوکت الملک کمک می‌کند.
- ۳- محمد ابراهیم خان شوکت الملک، فرزند امیر علم خان حشمت الملک، در سال ۱۲۵۹ش. در بیرجند متولد شد. خاندان وی، نزدیک به یازده قرن فرمائروایی سیستان و قاینات را بر عهده داشتند. محمد ابراهیم پس از فوت برادرش در سال ۱۲۸۳ش.، حکومت قاینات و سیستان را عهده دار شد. وی پس از انتصاب، نظم و ترتیب خاصی برای اداره امور در پیش گرفت. او، علاوه بر توسعه امنیت و تشکیل واحدهای نظامی، به امور فرهنگی و عمرانی منطقه قاینات توجه خاصی مبذول داشت که از جمله آنها، تأسیس مدارس شوکتیه، تأسیس بیمارستان و نوله کشی شهر بیرجند و... بود. پس از خلع قاجاریه و برقراری سلطنت رضاشاه، وی امور حکومت خود را به برادرزادگان سپرد و در سال ۱۳۱۴ش. به تهران آمد. وی، در سال ۱۳۱۶ش. استاندار فارس شد و در ۱۳۱۷ش. در کابینه محمود جم، به وزارت پست و تلگراف معرفی گردید و در کابینه‌های دکتر متین دفتری و علی منصور و محمدعلی فروغی، سمت مزیور را دارا بود. پس از استعفای رضاشاه، او نیز از کار دولتی کناره گرفت و در بیرجند سکونت نمود و به املاک و وسیع خود رسیدگی می‌کرد و در ۱۳۲۳ش. درگذشت.
- بنگرید به: محمدعلی منصف، امیر شوکت الملک علم (امیر قاین ۱) - تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۴. ص ۵۱؛ باقر عاقلی، شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران. - تهران: نشر گفتار، ۱۳۸۰. ص ۱۰۲۹؛ ابوالحسن آیتی، خاطراتی از بیرجند و رویدادهای سیاسی. - بی‌جا: موفق، ۱۳۷۶. ص ۲۴۳.
- ۴- مدرسه شوکتیه بیرجند، به همت شوکت الملک در سال ۱۳۲۶. ق. ۱۲۸۷۱ش. تأسیس شد. معلمان این مدرسه، از میان معلمان کاشانی - که قبلاً سابقه همکاری با مدارس جدید میرزا حسن رشديه را داشتند - انتخاب شدند و البته تعدادی از علما و فضلاء بیرجند نیز در این مدرسه تدریس می‌کردند. بابه سلطنت رسیدن رضاشاه و گسترش دامنه اقدامات وزارت معارف، دولت تصمیم گرفت تا کلیه مدارس زیر نظر وزارت معارف قرار گیرد و شوکت الملک هم، کلیه امور مدارس شوکتیه را به دولت واگذار

- کرد. (یوسف متولی حقیقی، تاریخچه آموزش و پرورش نوین خراسان از آغاز تا انقلاب اسلامی. - مشهد: مرندیز، ۱۳۸۲. ص ۳۲۶؛ آیتی، همان، ص ۳۷)
- ۵- زهر اشجیمی، نمایندگان مجلس شورای ملی در دوره قانونگذاری. - تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۴. ص ۳۷۰.
- ۶- منصف، همان، ص ۱۵.
- ۷- احتمالاً باید ابوالحسن فروغی باشد که در این زمان در سوئیس، وزیر مختار بود. وی برادر کوچک تر محمدعلی فروغی بود. بنگرید به: عاقلی، شرح حال رجال سیاسی و نظامی... ص ۱۱۰۶.
- ۸- منظور، مهدیقلی خان هدایت مخبر السلطنه است.
- ۹- وی، داماد محمدعلی فروغی بود. (آیتی، خاطراتی از بیرجند و... ص ۱۶۱)
- ۱۰- به دلیل افزایش اختلافات بین ایران و افغانستان، هر دو دولت در سال ۱۳۱۳ش. از ترکان خواستند در این قضیه داورى نمایند. دولت ترکیه نیز، فخرالدین آنتای را به رهبری گروه داورى منصوب کرد. نماینده ایران برای مذاکره، مهدی فرخ (معتصم السلطنه) بود. سرانجام پس از بازدیدها از نقاط مرزی و مذاکرات طرفین، هیئت ترک در ۱۳۱۴ش. رأی داورى خود را تسلیم سفیران ایران و افغانستان کرد. مجلس نیز در سال ۱۳۱۴ش. قانون مرزی مبتنی بر رأی داورى آنتای را تصویب کرد و کمیسیون مشترک ایران و افغانستان، بی‌درنگ برای نشانه گذاری و نصب ستونهای مرزی مشغول به کار شد. تعدادی از اراضی واگذار شده به افغانستان در این داورى، متعلق به خاندان علم بود. این طرح داورى، به نفع افغانها و به ضرر ایران تمام شد. (بیروز مجتهدزاده، امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران. - مترجم حمیدرضا ملک محمد نوری، تهران: شیرازه، ۱۳۷۸. صص ۳۲۸-۳۴۱)
- ۱۱- قانون فروش خالصه‌ها و قرضه‌های فلاحی و صنعتی، در تاریخ ۱۷ دی ۱۳۱۲ از مجلس نهم گذشت. (زهر اشجیمی، نمایندگان مجلس. - همان، ص ۱۵۵)
- ۱۲- دیوان هادی، از آثار حاج شیخ محمدهادی از علما و مجتهدان بیرجند است. محمدحسین آیتی، بهارستان در تاریخ و تراجم و رجال قاینات و قهستان. - مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۱. چاپ دوم، صص ۳۴۲-۳۴۴.
- ۱۳- خبیص، از نواحی کرمان است و ارتضاع کویر در آن کم است. (لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی. - ترجمه محمود عرفان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳. چاپ چهارم، ص ۳۳۰)
- ۱۴- صمصام الدوله، امیر محمدرضا خان پسر حشمت الملک دوم و برادرزاده محمد ابراهیم خان علم شوکت الملک است که امیر نشینی سیستان را در سال ۱۳۰۰ش. به وی واگذار کرد. (مجتهدزاده، همان، ص ۱۹۰)
- ۱۵- حاج میرزا عبدالعلی دیباسبیدالمحققین، فرزند حاج میرزا رفیع نظام العلماء (ملاک و روحانی) متولد حدود ۱۲۵۴ش.، دارای تحصیلات قدیم در حدود اجتهاد، نماینده دوره‌های ۵ تا ۱۰ از ایل شاهسون، شجعی، همان، ص ۳۷۵.
- ۱۶- امیر حسین خان خزیمه علم، فرزند بزرگ امیر معصوم خان حسام الدوله سوم است. وی، پس از اتمام تحصیلات در انگلستان به ایران برگشت و در وزارت کشور مشغول به کار شد. وی، در سال ۱۳۱۹ از سوی رضاشاه به سمت استاندار سیستان و بلوچستان منصوب شد. (مجتهدزاده، همان، ص ۲۰۰)
- ۱۷- امیر علی اکبر خان و امیر حسین خان، فرزندان امیر محمدرضا خان صمصام الدوله هستند. (مجتهدزاده، همان، ص ۱۹۱)
- ۱۸- تواب العاجیه، دختر امیر علم خان سوم (حشمت الملک اول) و خواهر محمد ابراهیم خان علم شوکت الملک بود. (منصف، ص ۲۵)



تقدیر نامه

مدیریت و هیئت مدیره و مجربان این مرکز را به جهت خدمات ارزنده
در زمینه اسناد و کتابخانه‌های مردمی و به ویژه در زمینه اسناد

کتابخانه‌های مردمی و به ویژه در زمینه اسناد و کتابخانه‌های مردمی

به جهت خدمات ارزنده و به ویژه در زمینه اسناد و کتابخانه‌های مردمی

عبارت می‌آید که در این راستا به جهت خدمات ارزنده و به ویژه در زمینه اسناد

و به ویژه در زمینه اسناد و کتابخانه‌های مردمی

و به ویژه در زمینه اسناد و کتابخانه‌های مردمی

و به ویژه در زمینه اسناد و کتابخانه‌های مردمی

و به ویژه در زمینه اسناد و کتابخانه‌های مردمی



در این باره اطلاع در دسترس است و در صورت لزوم اقدام خواهد شد.
 به استحضار می‌رساند که این موضوع در دسترس است و در صورت لزوم اقدام خواهد شد.

تجدید نظر در این خصوص در نظر گرفته می‌شود و در صورت لزوم اقدام خواهد شد.

در خصوص این مورد در دسترس است و در صورت لزوم اقدام خواهد شد.

در خصوص این مورد در دسترس است و در صورت لزوم اقدام خواهد شد.

مقرر گردید که این موضوع در دسترس است و در صورت لزوم اقدام خواهد شد.

در خصوص این مورد در دسترس است و در صورت لزوم اقدام خواهد شد.

این موضوع در دسترس است و در صورت لزوم اقدام خواهد شد.

در خصوص این مورد در دسترس است و در صورت لزوم اقدام خواهد شد.

در خصوص این مورد در دسترس است و در صورت لزوم اقدام خواهد شد.

در خصوص این مورد در دسترس است و در صورت لزوم اقدام خواهد شد.

۷۰۸۸۹۲